



۲۸/۰۹/۲۰۱۴

نظر محمد مطمئن

پولندي ها شکرانه آزادی را ادا کردند ولي اوکراین، سکاٹلند و افغانستان از بردگی را ادا مي نمایند

در حالی که پولندي ها شکرانه آزادی را به جا مي آورند، اما بعضي از رهبران اوکراین، سکاٹلند و افغانستان از بردگی را به جا مي آورند. بعد از فروپاشي اتحاد شوروي بسياري از کشورها در آسياي ميانه و اروپاي شرقي به آزادی نایل شدند که در اين جمله دو کشور مهم پولند و اوکراین نیز شامل بودند.

پولندي ها زماني که استقلال شان را اعلام داشته، همزمان همه روابط شان را با بلاک کمونيستي - شوروي و قايم مقام آن (روسيه کنوني) قطع کرده و بر جاي نظامي به سيستم کمونيستي، نظام نويني بر اساس ايدياهاي اروپايي در همه عرصه ها از قبيل اقتصادي، تعليمي و فرهنگي بهتر دانسته و استقرار بخشيدند. بنا بر اين ساختار حکومت اين کشور به سرعت و به صورت کامل ۱۸۰ درجه تغيير کرد، تغييری که برخي افراد در پولند در همان وقت با آن در مخالفت و تضاد قرار داشتند؛ آنها فکر مي کردند که با اين کار ممکن پولند با بحران بزرگی مواجه شود. پولندي ها که مردمان زيک و زحمتکش هستند، در ۲۵ سال گذشته (در سال ۱۹۸۹ استقلال خود را به طور کامل کسب کردند). بعداً پوليند به حدي ترقي و پيشرفت کرد که جهانيان را شگفت زده ساخت؛ اکنون پولندي که ۱۲۰ سال در استعمار به سر مي برد و در جغرافياي جهان نامي از آن وجود نداشت و بهاي کشمکش ها و رقابت هاي کشور هاي بزرگ از جمله جرمني و روسيه را مي پرداخت، در رديف کشورهای بزرگ اروپايي قرار دارد.

ملت محکوم شده پولند زماني به حصول استقلال نایل آمد، مردم و حکومت آن مشترکاً فيصله کردند، هر تبعه پولندي مکلف است که از بهاي آزادی پاسداري نمايد و شکرانه آنرا در طول عمر و تا انجام زندگي بپردازد؛ از همین روست که هر باشنده پولندي در طول سال مقدار مشخصي از پول را در بودجه دولت مي ريزد. آنها در واقع لذت و قيمت آزادی را درک کرده اند و اينکه در کشور خود اکسيجن آزادی را آزادانه تنفس مي کنند، غلام کس ديگري نيستند. هر پولندي به اين مي انديشد که در کشور خود شاه است و اين اندیشه را در سر مي پروراند که پاسداري از کشور بر وي فرض مي باشد. يکي از نشانه ها و دلایل ميهن دوستي آنها اين نیز است که آنها تانکي را که سربازان پولندي در جنگ جهاني آنرا مورد استفاده قرار داده بودند به قيمت بسيار ناچيز و با مهارت کامل از افغانستان به کشور شان انتقال دادند؛ هم اکنون اين تانک در موزيم نظامي وارسا در بخش مهمي از اين موزيم به نمايش گذاشته شده است. اي کاش رهبران ما نیز همانند پولندي ها به لذت و كيف آزادی مي رسيدند.

پولندي ها نخواستند که گاز، پترول و ديزل روسيه را به قيمت ارزان بخرند و از آن استفاده نمايند و همچنان نخواستند که در آینده نیز نيازمنند روسيه باشند؛ گازی را که روس ها به قيمت بسيار پايين به آنها پيشنهاده کرد، پولندي ها ترجيح دادند که ده چند قيمت از آن از جاي ديگر آنرا تدارک نمايند. همچنان پترول و ديزل ارزان روسيه را نپذيرفتند؛ آنها در واقع نمي خواستند با روسيه حد اقل روزنه داد و ستد داشته باشند؛ به اين ترتيب تصور استعماري آینده روسيه را نیز نقش بر آب ساختند.

برعکس اوکراین که يك کشور غني و ثروتمند بود، و در کرانه درياي سپاه کشور زيبايي بود، از هر لحاظ خودکفا، مراکز علمي بيشتري و با كيفيت تر، کارخانه هاي زياد حربي و نظامي داشت، و در ساحل داراي بنادر مهم تجارتي بود، اما از اينکه به لذت و قيمت آزادی نرسيده بود، همچنان به بردگی پاييد. البته هدفم همه اوکرايني ها نيست، بلکه عده ای از مقام ها و رهبران آن و کساني که به غلامي روس ها افتخار مي کردند.

زماني که رئيس جمهور سابق اوکراین "ويکتوريا نوکويچ" از قدرت کنار زده شد، فوراً به دامان بادارش (روسيه) پناه برد و در راستاي تجزيه کشورش با روس ها به صورت کامل همکاري کرد؛ به اين ترتيب روس ها شبه جزيره کريميا را از بدنه اوکراین جدا ساخته و به روسيه ملحق ساختند؛ هم اکنون اوکرايني ها غلام طبيعت در صدد غلامي بيشتري روسيه هستند.

اين همه از طرز تفکر نادرست غلام گونه رهبران اوکراين ناشي مي شود؛ زماني که رئيس جمهور حامي روس ها در اوکراين از قدرت کنار زده شد، روسيه صادرات گاز، نفت و مواد خوراکی اوليه اش را به اين کشور در حالت تعليق قرار داد؛ اوکرايني همزمان با اينکه استقلال شان را کسب کرده بودند، باز هم به مداخله روسيه در کشور شان اجازه مي دادند؛ به جاي اينکه شکرانه کسب آزادی را ادا نمايند باز هم به کوپون روسي چشم طمع دوخته بودند. اکنون که قيمت ها در اين کشور به صورت بي سابقه بلند رفته؛ برخي مواد ۵۰٪ و برخي نیز ۱۰٪ صعود داشته، بانک هاي اوکراين که در نتيجه شدت اختلاس و فساد خالي شده، حکومت توان اين را ندارد که به مامورين خود معاش بپردازد و ماموران آن نیز مفت خور عادت کرده اند و مجبورند که بردگی روسيه را بپذيرند. اگر اوکرايني ها نیز همانند پولندي ها در همان آوان روزهاي اول حصول استقلال همه وابستگي هاي خود

د پايو شميره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپل و لولئ

را با استعمار گران می گسلیدند و به دور از مداخله اجانب به استقرار و تدوین نظام جدید شان می پرداختند، بدون شک با سرنوشت امروزی مواجه نمی شدند.

در ۱۹، ۲۰۱۴ مردم سکاتلند مستعمره برتانیه به خاطر جدایی و یا پاییدن با برتانیه به پای صندوق های رای رفتند. سکاتلند تقریباً از ۳۰۰ سال به اینسو مستعمره انگلیس است. انتظار می رفت که این مرتبه مردم سکاتلند به خاطر حصول استقلال کشور شان از آرای شان استفاده نمایند، اما ۵۵٪ مردم این کشور در حق ادامه غلامی و پاییدن با استعمار برتانیه رأی دادند. برتانوی ها بار دیگر مردم سکاتلند را اغوا کردند؛ و آن اینکه وقتی که زمان همه پرسى به خاطر حصول استقلال نزدیک شد، صدراعظم برتانیه "دیوید کامرون" با ارائه وعده های گوناگون، مردم سکاتلند را بار دیگر فریب داد؛ بنا بر این از لذت و نعمت آزادی مردم محروم سکاتلند بار دیگر به شکل اکثریت این را بهتر دانستند که يك نسل دیگر با برتانیه بپایند و اقتدار شان را به انگلیس ها بخشیدند.

ولی با وجود این، سکاتلندی هایی که آزادی را دوست اند، می گویند که به خاطر حصول آزادی تلاش های شان را همچنان ادامه خواهند داد و وزیر آزادی خواه سکاتلند "الیکس سلموند" می خواهد استعفی بدهد.

یادآوری حقایق پیرامون افغانستان هم مشکلات مشابهی دارد. این کشور در طول تاریخ محل معرکه و تاخت و تاز های امپراتوری های بزرگ جهان بود. در این جا "چنگیز"، "اسکندر مقدونی"، "مغل"، "انگریز"، "شوروی" و "امریکا" همه به آزمایش زور بازوی شان پرداختند؛ در کنار این، امپراتوری فارس نیز بخشش را در این کشور به آزمون گرفته است، اما دست و پای همه استعمار گران در این کشور لنگیده، ولی این ملت آزاد را هم کسی به آرامش نگذاشته، تا از مزایای این نعمت به صورت خوبی برخوردار گردد.

در قرن جاری این دومین قدرت بزرگ جهان است که در این کشور کوچک شکست می خورد؛ این مسئله افتخار بزرگی برای ملت ماست، اما در نتیجه غلامی و معامله های رهبران سیاسی، ملت ما هرگز نتوانسته به مزایای واقعی آزادی برسد و از آن به گونه درست بهره مند گردد. در زمان تجاوز روس ها، حکومت کمونیستی گاو روس ها را می دوشید، و همانند اوکراین به مردم کوپین می داد. اجناس ساخت روسیه که در خود روسیه به ده افغانی بود، در بازارهای افغانستان به يك افغانی فروخته می شد؛ مردم ما را مفت خور عادت داد؛ بنا بر این، اکثر کمونیست های مقیم در شهرهای بزرگ به بیرون شدن روس ها از افغانستان بسیار خفه بودند؛ و خروج روس ها را از افغانستان با بدبختی و فقر مقایسه می کردند.

اکنون بعد از ۱۳ سال که کشور زیر حملات و اشغال امریکا قرار داشت، ولی در حال حاضر مجبور به خروج هستند، تعدادی از افغان های غلام طبیعتاً خاصناً اراکین سیاسی که هم اکنون در قدرت قرار دارند و نعمت بزرگ آزادی افغان ها را در بدل غلامی به فروش می رسانند، باز هم به همان فکر و باور هستند که اگر امریکا از افغانستان خارج شود، مردم ما با فقر و گرسنگی مواجه خواهد شد (عقیده این گونه افراد ضعیف شده و خدا جل جلاله را از یاد برده اند).

طی ۱۳ سال گذشته مقام ها و دولت افغان به این نیاندیشیدند که چه گونه برنامه های اقتصادی داشته باشند؛ تا در آینده بدون همکاری امریکا و جامعه جهانی به نیروی خود استوار بوده و یک افغانستان قوی و خود کفا داشته باشند. در این مدت هیچ کار اساسی و زیربنایی در افغانستان صورت نگرفت. همه پول ها به وسیله مقام ها دزدیده شد؛ ملت افغان همچنان در فقر به سر می برد؛ رهبران به خاطر دستیابی به قدرت همه روزه بدون استثنای يك مرتبه به دیدار و دربار سفیر امریکا خود را مشرف می کنند.

اگر می خواهید که دارای آزادی باشیم و از مزایای آزادی بهره مند شویم، بپایید رهبران حلقه بگوش را رد بگوییم، در مورد آینده کشور بیاندیشیم؛ يك برنامه خوب امنیتی، اقتصادی و معیاری تعلیمی بسازیم؛ برنامه بی که کاملاً افغانی باشد؛ این زمانی ممکن است که در حکومت هر افغان جایی داشته باشد و به جای جنگ به صلح ترجیح داده شود.

اگر خدا نخواست باز هم رهبران سیاسی ما بهای آزادی را ندانند و ملت افغان را در دایره غلامی بند نگه دارند، پس بهترین مثالی برای آن اوکراین است که تجزیه می شویم، بریاد می شویم و در نهایت هویت خود را از دست می دهیم. من همه افغانان در داخل و خارج کشور را خاصناً جوانان را مورد خطاب قرار می دهم؛ که به خاطر آزادی کشور به اهدای قربانی حاضر باشند، به شدت تلاش نمایند و بهای آزادی را در بدل زندگی بدهیم؛ تا حد اقل نسل های آینده ما در کشور اکسیجن آزادی را تنفس نمایند.

به امید يك افغانستان آزاد و سربلند

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی